



خطبة دوم

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي خلق السماوات والارض و جعل الظلمات و النور
ثم الذين كفروا بربهم يعدلون. والصلوة والسلام على عبده و رسوله
المنتجب و نبيه، ارسله بالهدى و دين الحق، ليظهره على الدين كله ولو
كره المشركون، ولو كره الكافرون. النبي الخاتم، ابوالقاسم محمد و على
آله الطيبين الطاهرين المعصومين المنتجبين.

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم، الذين يتبعون الرسول النبي الامي
الذي يجدونه مكتوباً عندهم في التوراة والانجيل يأمرهم بالمعروف و
ينهاهم عن المنكر و يحل لهم الطيبات و يحرم عليهم الخبائث و يضع
عنهم اصرهم والاغلال التي كانت عليهم، الذين آمنوا به و عزروه و
نصروه اولئك هم المفلحون.

كسانی که این پیامبر بزرگوار و این رهبر عالیقدر انسانیت را
پیروی کردند آن پیامبری که امی بود، یعنی از میان توده مردم برخاست،
از میان بی سوادها، برای آنان و به نفع آنان، نه از میان يك گروه خاص
و طبقه معین، الرسول النبي الامي همان پیامبری که پیامبران دیگر چشم
به راه او بودند تا وحی آنها و رسالت آنها تکمیل بشود. یجدون عندهم
مكتوباً في التوراة والانجيل، همان پیامبری که آمد تا مردم را به معروف
و اذارد و از منکر باز دارد، همان پیامبری که آمد، همه آنچه را که
ادیان گذشته تحریم کرده بودند از طیبات، بر مردم حلال کند، این قیدها
را بردارد و آنچه خبیث است حرام کند و يضع عنهم اصرهم، بارهای
سنگینی که بردوش بشر بوده است بردارد، غلهائی که فکر و اندیشه
مردم را و زندگی و حیات مردم را بسته بود بگشاید. اینها هدف این
نبی بود. تحلیل طیبات، امر به معروف، نهی از منکر، تحلیل طیبات،
تحریم خبائث، برداشتن اصرها و غلها، اصر یعنی چه؟ یعنی بار سنگین،

باری که محکم بسته شده است، آن تحمیلات فکری و اندیشه‌ای و عقیده‌ای که دنیای شرک و کفر برافکار و اندیشه‌های مردم تحمیل کرده بود، آن نظام طبقاتی که بر توده مردم تحمیل و بسته شده بود، آن قوانین و آداب و سننی که مردم را زیر بار تحمیلات کمرشکن کرده بود و آن غلهائی که دستوپای فکر و حرکت مردم را بسته بود. این پیامبر آمد همه آنها را بردارد، این غلهها را بگشاید. اینها هدفی این پیامبر بود، یعنی آزاد کردن مردم، آزاد کردن از تحمیلات طبقاتی، آزاد کردن از اندیشه‌های شرکی که تحمیل شده، آزاد کردن از احکام و قوانینی که به‌سود یک گروه و یک طبقه بردیگران تحمیل شده، این رسالت پیامبر شما بود، ما هم باید دنبال همان رسالت باشیم، این شهدای ما هم دنبال همین رسالت بودند، در مقابل فرهنگ تحمیلی، در برابر اقتصاد تحمیلی، در برابر قوانین تحمیلی، در برابر محدودیتهای پلیسی که گاهی به‌اسم دین بر مردم تحمیل می‌شد که از همه خطرناکتر یعنی آنچه را که احبار و رهبان و همکاری آنها با طبقات ممتازه بر مردم تحمیل کرده بودند به نام دین، این خطرناکترین تحمیلات است، یعنی آنچه که از خدا نیست، از جانب حق نیست، آنها را به‌اسم خدا به‌دستوپای مردم بیندند و مردم را از حکومت حیاتی باز دارند، حق اعتراض به‌کسی ندهند، حق انتقاد ندهند، حق فعالیت آزاد به مردم و مسلمانها و مردم آزاده دنیا ندهند. این همان اصراست، این همان اغلال است. این اغلالیست که پیامبر مبعوث شد و بشر دچار شده به‌این همه غلهها را نجات داد تا ما دنبال این پیامبر، هم‌خودمان را نجات بدهیم، هم دیگران را نجات بدهیم. دعوت اسلام، دعوت به‌رحمت و آزادی است، در اول هر سوره به‌نام دو رحمت، رحمت واسعه و رحمت خاص شروع می‌کند. *بسم الله الرحمن الرحیم*. و ما *ارسلناک الراحمه للعالمین*، تو رحمتی، رحمت برای همه مردم، همان گناهکاری که محکوم به‌اعدام می‌شود به قانون اسلام، هم برای خودش رحمت است که گناهانش شسته بشود، از شر باقیمانده‌اش مردم آزاد بشوند، هم رحمت به‌دیگران است. جهادش رحمت، هجرتش رحمت، قوانینش رحمت، هدایتش براساس رحمت. ما نظام اسلامی می‌خواهیم که در پرتو رحمت باشد، ما اگر همان رسالت، رحمت الهی را درباره مردم خودمان و دیگران در مرحله اول اجرا کنیم بسیاری از مشکلات حل می‌شود بسیاری از این تشنجات از میان می‌رود، هنوز مردم مستضعف ما چه در داخل و مرکز و اطراف و انحاء کشور

باور نمی‌کنند که رسالت اسلام و انقلاب ما برای آزادی است. چون عمل کمتر دیده‌اند، در همین مسائلی که در کردستان پیش آمد، اگر ما بجای پسگیری، پیشگیری می‌کردیم، اگر آن وقتی که من به‌سندج رفتم با دوستانمان، عمل می‌کردند، با حس رحمت و در پرتو رحمت با اینها تماس می‌گرفتند و بندها را از اینها برمی‌داشتند آن بندهائی که تحمیل شده بود و آنچه که رژیم بر اینها تحمیل کرده بود، آن رژیم غدار طاغوت، شاید این مسائل یا پیش‌نمی‌آمد یا کمتر پیش‌می‌آمد، همین‌طور نسبت به دیگران، و نسبت به همه، ولی ما هنوز هدف اسلام را تشخیص نداده‌ایم. همه می‌گوئیم انقلاب اسلامی. بپرسید هدف اسلام چیست؟ این گروه، آن گروه، آن گروه، یکفر بعضیها بعضا، این آنرا تکفیر می‌کند، این به آن می‌گوید مرتجع، این به آن می‌گوید انحرافی، ولی هنوز مشخص نشده اسلام چه می‌خواهد، منظور اسلام چیست؟ اگر هدفها تشخیص داده بشود، اگر راه به طرف هدف باز بشود، بسیاری از این درگیریها تخفیف پیدا می‌کند، آنوقت مشخص می‌شود که این برادر کرد آیا واقعا ضد انقلاب بوده یا او را با شعارهایی که در زمینه غلها و اصرهای مادی و فرهنگی نگه داشته‌اند، شعار می‌دهد، او را فریب می‌دهد، به خودش می‌کشد و به طرف خودش جذب می‌کند، راه تبلیغات علیه دولت و رهبری و این شهدای ما و این مردم انقلابی ما که اینقدر در اینجا زیر آفتاب جمع شدند از توده مردم، راه انقلاب را به آنها عملا باید نشان بدهیم، باید از همان قدم اول، روز اولی که رژیم سقوط کرد، ما پرچم رحمت را باز کنیم و با عمل نشان بدهیم، آن کسانی که هنوز می‌خواهند حقوقهای زیاد در ادارات بگیرند و بنشینند و کار نکنند، اینها را ببریم دنبال کار، و به‌زندگی مردم، مستضعفین، مسکن، زندگی، آنقدری که می‌توانیم برسیم و از این کاغذبازیها دست برداریم، اگر می‌کردیم بسیاری از مسائل حل می‌شد، من قول می‌دادم حل می‌شد، صدها بار من گفتم که مسأله شورا از اساسی‌ترین مسأله اسلامی است، حتی به پیغمبرش با آن عظمت می‌گوید، با این مردم مشورت کن، به اینها شخصیت بده، بدانند که مسؤولیت دارند، متکی به شخص رهبر نباشند ولی نه اینکه نکرده، می‌دانم چرا نکردند، هنوز هم در مجلس خبرگان بحث می‌کنند در این اصل اساسی قرآن، که به چه صورت پیاده بشود: باید، شاید، یا اینکه می‌توانند. نه، این يك اصل اسلامی است. یعنی همه مردم از خانه و زندگی و واحدها باید با هم مشورت کنند در

کارشان، علی می فرمود:

من استبد برأیه هلك، هر که استبداد کند در کارهای خودش هلاک می شود. من شاورالرجال شارکهم فی عقولهم، وقتی من يك دید دارم با يك نفر از شما با دو نفر، با ده نفر وقتی مشورت می کنم، ده دید پیدا می کنم، ده عقل به عقل خودم ضمیمه می کنم، چرا نمی شود؟ نمی دانم!! امام دستور می دهد، ما هم فریاد می کشیم دولت هم تصویب می کند، ولی عملی نمی شود، مگر در سندج که این شورای نیم بند تشکیل شد ضرری به جایی رسید. و می بینیم آنجا نسبتاً از همه منطقه کردستان آرامتر است، یعنی گروهها و افراد دست اندر کار شاید اینطور تشخیص بدهند که اگر شورا باشد دیگه ما چکاره هستیم؟! شما هیچ! بروید دنبال کارتان، بگذارید این مردم مسؤولیت پیدا کنند، این مردمنده که کشته دادند، اینهایی که اینجا خوابیده اند از همین توده های جنوب شهر بودند، منطق اینها بود. می گویند در کارخانه ها اخلاص می شود خوب يك مرتبه اخلاص بشود، آن اصل مهمتر از اینست که در يك کارخانه اخلاص بشود، در کارخانه اخلاص شد، شورا را تعطیل کنید، چرا؟ و امرهم شوری بینهم، در اجرائیات پیغمبر با آن عظمتش می نشست با مسلمانها در جنگ بدر، جنگ احد، جنگ خندق، شما نظرتان چیست؟ از شهر خارج بشویم، یادشهر بمانیم؟ شما نظرتان در جنگ خندق چیست؟ خرماها را به يك عده از قبایل عرب بدهیم اینها بروند کنار تا بین اینها اختلاف ایجاد بشود یا ندهیم، در جنگ بدر که آماده جنگ نبودند، جنگ کنیم یا نکنیم؟ وقتی آنها می گویند که یا رسول الله ما آنوقتی که در پرتو اسلام نبودیم، مقابل دشمن می رفتیم، حالا چرا در خانه در میان شهر باشیم؟ می فرمود بفرمائید، بروید. یا رسول الله آنوقتی که ما مسلمان نبودیم و موحد نبودیم به عربها باج نمی دادیم، حالا باج خرما بدهیم به اینها. فرمود: نه، می جنگیم، شما نظرتان اینست؟ می جنگیم. این کاریست که باید همه مردم بکنند، می فرمائید ما برای جنگ نیامده ایم، در بدر، این همه قشونی که حرکت کردند با تجهیزات از مکه، ما شاید تاب و توان آنها را نداشته باشیم بجنگیم یا نجنگیم؟

مقداد عرض می کند: یا رسول الله ما با شما بیعت کرده ایم دست ما را بگیرید به دریا بیندازید! به هرجا می خواهی پرت کن و به هر موجی می خواهی بسپار، ما دنبال تو هستیم می جنگیم باذن خدا و فتح هم می کردند. چون همه مسؤولیت قبول می کردند، ولی وقتی مردم از مسؤولیت

خارج شدند، شما برادر کاسب، شما کارگر، شما بازاری، شما کشاورز، می‌گوئید خوب به ما چه، خودشان دارند کارشان را می‌کنند. نه، وظیفه يك از شماست.

و اگر می‌کردیم و اگر می‌کردیم و اگر می‌کردیم! که خیلی زمینه برای کارها داشتیم و هنوز هم داریم، بیشتر این تشنج‌ها، این فرصت-طلبی‌های عوامل ضد انقلاب و خارجی را زبانشان را می‌بستیم، و سلاح از دست اینها می‌گرفتیم ولی متأسفانه دیر شد. ولی هنوز دیر دیر نشده، همانطوری که جلوی توپ و تانک رفتید، این مسوولیتها را دارید شما، این به‌عهده شماست، شاید بعضی از دوستان ما بگویند آقا شما چرا این مسائل را در میان توده مردم مطرح می‌کنید؟ بیائید در مجلس خبرگان! می‌گویم بین موکلین شما مطرح می‌کنم، اینها هستند که ما را وکیل کردند، می‌دانم برای چه وکیل کردند ما موظف و نسبت به اینها مسؤلیت داریم، باید دردها، اندیشه‌ها، بدبختی‌ها، ناراحتی‌ها، عقب‌ماندگیهای این مردم را جبران کنیم، با قوانین نجاتبخش و حیات-بخش اسلامی، امیدواریم که همه ما هوشیار بشویم فرد فرد مسؤلیت قبول بکنیم، و این مسائل عظیم اسلامی را پیاده بکنیم، خودرایی و خودخواهی را کنار بگذاریم، گروه‌خواهی، فرصت‌طلبی و تحمیل عقیده یا خدای نخواستہ استبداد زیر پرده دین را کنار بگذاریم و بیائیم با مردم با دردمندها با رنج‌کشیده‌ها، با محرومها، همصدا بشویم. خداوند همه ما را بیامرزد.

اللهم اغفر لنا ولوالدینا ولجميع المؤمنین والمؤمنات ولا تزدد الظالمین الا تبارا.

بسم الله الرحمن الرحيم

والعصر، ان الانسان لفي خسر، الا الذين آمنوا و عملوا الصالحات و تواصلوا بالحق و تواصلوا بالصبر.

خداوند همه ما را به راه راست و راه مستقیم، نه راه چپ و نه راه راست مقابل چپ، هدایت کند، رهبرهای ما را در مسائلی که برای مردم و در راه خیر مردم است الهام ببخشد، رهبر عالیقدر ما را در راه خیر و صلاح و آزادی مردم تأیید بفرماید و همه ما را قدردان این خون-های شهدا و پیمانهای که خون اینها با ما بسته‌اند بدارد!

السلام علیکم و رحمة الله